



محمدحسین کاظمی

# کار آفرینی یا کارمندی!

چه کسی است که ادعا کند صرف زنبودن از مرد بودن بهتر است یا برعکس! به همین صورت، کسی نمی‌تواند مدعی این باشد که به‌طور کلی کار آفرینی بهتر است یا کارمندی؟ در واقع تا کارمندی نباشد که به کار در ساعاتی مشخص از شبانه‌روز حاضر شود و درآمدی متناسب با تخصص و تلاش خود کسب کند و در مقابل فشار روانی کاری کم و امنیت شغلی داشته باشد و به این طریق در نهایت در یک مجموعه ارزش آفرینی کند، هیچ کار آفرینی موفق نخواهد بود و برعکس. تا زمانی که کار آفرین با به‌کارگیری خلاقیت و نوآوری خود کسب و کاری نو راه‌اندازی نکند و جرأت رویه‌رو شدن با انواع چالش‌ها و خطرات را به جان نخرد و کار و تلاش شبانه‌روزی بی‌وقفه را سرلوحه کار خود قرار ندهد، تا در مقابل به سودآوری و مهم‌تر از آن ارزش آفرینی دست یابد، هیچ اشتغالی برای کارمندان ایجاد نخواهد شد.

در برخورد با کار و اشتغال اولین موضوعی که با آن رویه‌رو هستیم، انتخاب است؛ انتخابی بین کارمندی و کار آفرینی. بسیاری از جوانان و نوجوانان این موضوع را از اساس حل شده می‌دانند و با توجه به تبلیغات رسانه‌ها، کار آفرینی را بر کارمندی برتری می‌دهند. در طرف مقابل، نسل دهه ۶۰ قبل، در برتری کارمندی بر کار آفرینی تا حدودی بایکدیگر هم‌نظرند. اما اگر پرده تعصب سلیقه‌های بین نسلی را کنار بزنیم و کمی از بالاتر به بررسی برتری بین کارمندی و کار آفرینی بنگریم، خواهیم دید، مقایسه این دو برای یافتن برتر، همچون مقایسه زن با مرد یا چپ‌دست با راست‌دست، توجیه‌ناپذیر و حتی بی‌جگانه است.

## کارمند و

کار آفرین دو بال  
ارزش آفرینی در  
جامعه هستند و با  
وجود اختلافات،  
هر دو در صفت  
ارزش آفرینی  
کاملاً مشترک  
هستند.



می‌بینیم که برخلاف بسیاری از صحبت‌های سخنرانان و رسانه‌ها که متأسفانه کارمند را فردی بی‌عرضه معرفی می‌کنند که توان راه‌اندازی کسب‌وکار خود را نداشته، کارمند و کارآفرین دو بال ارزش‌آفرینی در جامعه بوده و با وجود اختلافات، هر دو در صفت ارزش‌آفرینی کاملاً مشترک هستند. این ما هستیم که باید انتخاب کنیم کدامیک از این دو راه برای کسب روزی حلال و خدمت به جامعه، با ویژگی‌های شخصیتی ما متناسب است. برای مثال، افراد راست‌دست و چپ‌دست را در نظر بگیرید. هر دو در رسیدن به هدف که نوشتن روی کاغذ است، مشترک و موفق هستند، اما یکی بنا بر سنخ (تیپ) شخصیتی، به‌صورت ناخودآگاه قلم را با دست راست می‌گیرد و دیگری با دست چپ. هر یک از این دو نفر، اگر روزی تلاش می‌کردند خلاف حالتی که از ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها گرفته شده است نقش بازی کنند و مثلاً به‌جای نوشتن با دست راست، بر نوشتن با دست چپ پافشاری کنند، نه‌تنها به خود زحمت مضاعف تحمیل می‌کردند، بلکه در نهایت در رسیدن به هدف، یعنی همان نوشتن روی کاغذ، به چیزی جز خط خرنج‌گ‌قورباغه نمی‌رسیدند. به همین ترتیب، کارمند و کارآفرین هر یک جایگاه خود را دارد که بر اساس آنچه بر فرد گذشته و ویژگی‌های شخصیتی او را تشکیل داده، شکل گرفته و در صورت قرارگرفتن یک شخصیت کارآفرین در موقعیت کارمند یا برعکس، زحمت مضاعف برای فرد و نتیجه نامطلوب برای فرد و جامعه دربر خواهد داشت. نخستین گام برای انتخاب بین کارآفرینی و کارمندی، شناخت ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌هایی است که هر یک نیاز دارد؛ ویژگی‌هایی چون توانایی کار گروهی، انضباط شخصی، اعتمادبه‌نفس، صبور بودن، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی قوی، تفکر نقادانه، مهارت حل مسئله و مدیریت زمان از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک شخصیتی است که هر کارمند و کارآفرین موفق باید داشته باشد. علاوه بر این موارد، برای کارآفرینان، داشتن بعضی ویژگی‌های شخصیتی مثل خطرپذیری، خلاقیت و نوآوری، انعطاف‌پذیری، هوش هیجانی بالا، قدرت رهبری و پشتکار دوچندان اساسی است.

بعد از شناخت ویژگی‌های هر یک از راه‌های کارآفرینی و کارمندی، شناخت خود به‌عنوان کسی که می‌خواهد در هر یک از این راه‌ها گام بردارد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین گام است. در این مسیر و برای رسیدن به این مرحله از خودشناسی، مطمئن‌ترین و استانداردترین راه، بهره‌گیری از آزمون‌های شخصیت‌شناسی معتبری است. همچون «آزمون لنگرگاه شغلی» و «آزمون MBTI» که هر دو به‌صورت برخط در اینترنت اجراشدنی هستند. معمولاً آزمون‌گیرنده، بعد از انجام این آزمون‌ها، نتایج تحلیلی آزمون را در اختیار شما می‌گذارد تا بتوانید به کمک مشاور بین کارآفرینی و کارمندی بررسی و انتخاب کنید و از این طریق با دیدی بازتر و مطمئن‌تر وارد مسیری شوید که نقطه آغاز آینده شغلی شماست.

در پایان دو سؤال پرتکرار در مقایسه کارآفرینی و کارمندی را می‌آوریم؛ سؤالاتی که به‌طور معمول پاسخ‌های اشتباه آن‌ها در ذهن همه ما به اصل تبدیل شده‌اند:

۱. آیا همیشه درآمد حاصل از کارآفرینی از کارمندی بیشتر است؟  
 برای رسیدن به پاسخ درست این سؤال، باید دو نکته را در نظر گرفت. اول اینکه، همان‌طور که بسیاری نیز از کارآفرینان به موفقیت و درآمد بالا دست یافته‌اند، در مقابل آن‌ها کارآفرینان بسیاری نیز با شکست‌های گوناگون و ازدست‌دادن سرمایه خود روبه‌رو بوده‌اند. دوم اینکه، همان‌طور که تا اینجا مطرح شد، درآمد کارمندان، به‌خصوص در بخش خصوصی، به‌طور مستقیم به میزان تخصص، توانایی و تلاش آن‌ها بستگی دارد. پس اگر کارمندی به‌منظور ارتقای سطح تخصص خود گام بردارد و در این راه مصمم باشد تا به جمع بهترین افراد در آن زمینه کاری بپیوندد، می‌تواند به نیروی کلیدی ویژه مجموعه تبدیل شود که حضورش در آن مجموعه حتی پرنگ‌تر از بنیان‌گذاران و کارآفرینان اصلی باشد. طبیعی است، در این شرایط کارآفرینان اصلی تمامی تلاش خود را برای نگاه‌داشتن این فرد در کسب‌وکار خواهند کرد؛ به‌نحوی که افزایش مزد این کارمند به‌میزانی خواهد بود که برای ادامه همکاری با آن مجموعه راضی شود. کم‌نموده‌اند کارمندانی که در این شرایط درآمد آن‌ها از سود کارآفرینان اصلی مجموعه بیشتر بوده است.

۲. آیا کسی که کارمند است می‌تواند روزی کارآفرین شود؟  
 بسیاری از متخصصان حوزه کسب‌وکار بر این باورند که یکی از بهترین روش‌های رسیدن به کارآفرینی، عبور از کارمندی است. به عبارت دیگر، کارآفرینی موفق می‌شود که قبلاً کارمند خوب‌بودن در آن زمینه شغلی را تجربه کرده باشد. اساساً فلسفه دوره‌های کارآموزی و کارورزی همین است. البته نباید فراموش کنیم، هم‌خوان بودن ویژگی‌های شخصیتی افراد با ویژگی‌های کارآفرین، همچنان پابرجا و مهم‌ترین اصل است. اما با فرض این هم‌خوانی، در صورتی که فرد با دید دانش‌افزایی به وظیفه کارمندی نگاه کند و در حال کارمندی مدام در حال کسب تجربه تازه باشد، می‌تواند چشم‌انداز کسب‌وکاری را که خود در آینده آفریننده آن خواهد بود ترسیم کند.

**بسیاری از متخصصان حوزه کسب‌وکار بر این باورند که یکی از بهترین روش‌های رسیدن به کارآفرینی، عبور از کارمندی است. به عبارت دیگر، کارآفرینی موفق می‌شود که قبلاً کارمند خوب‌بودن در آن زمینه شغلی را تجربه کرده باشد.**

